

[کلیک کنید](#)

متن پیاده سازی شده جلسه پنجاه و چهارم خارج اصول 19 آذر 1399

بسمه تعالی

متعارضین و نفی ثالث

پرسش : به نظر می رسد جهت داوری میان مرحوم آخوند و نائینی می بایست به معنای تعارض توجه کرد؛ آیا باید متعارضین را کالعدم حساب نمود تا در نتیجه نفی ثالث امکان نداشته باشد و نظر مرحوم خوئی ثابت شود یا این گونه نیست؟  
پاسخ : در مرحله تحقیق مسأله به بیان این نکته خواهیم پرداخت و هدف ما از مطرح کردن این پرسش در اینجا این بود که روی آن فکر شود که در این صورت، حل مسأله راحت تر می شود.

بحث در مسأله ای مهمی بود که کارکرد های زیادی دارد و باعث شده تا فحول این گونه مقابل یکدیگر قرار بگیرند، بلکه مقابله مرحوم آخوند و نائینی خیلی اثر ندارد اما وقتی دیدگاه مرحوم خوئی می آید که نفی ثالث را قبول نمی کند، مسأله اهمیت پیدا می کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

دیروز متعرض کلمات محقق خوئی شدیم؛ ایشان ابتدا به نقد دیگران پرداخته و سپس به بیان نظر خود می پردازد. ایشان دو نقد بر کلام آخوند بیان نمود که یکی از آن ها از مرحوم نائینی و دیگری نقد خودشان بود.  
اما نقد نائینی : ایشان نقد خود بر آخوند را با سه قضیه سامان می دهد. اول : دلالت التزامی در اصل تحقق و حدوث تابع دلالت مطابقی است. دوم : لازم در مقام اثبات، تابع ملزوم است و اگر چیزی ملزوم را ثابت کند، لازم را نیز ثابت می نماید مانند اثبات طلوع خورشید که لازمه آن روز بودن است. سوم : دلالت التزامی در حجیت و بقا تابع دلالت مطابقی نیست لذا ممکن است دلالت مطابقی زخمی شود اما دلالت التزامی به حال خود باقی باشد.

آقای خوئی به استاد خود محقق نائینی اشکال کرده و می فرماید : دلالت التزامی در هر سه مورد تابع دلالت مطابقی است و برای اثبات این مطلب چهار نقض [البته می فرماید موارد نقض بیش از این مقدار است] و یک جواب حلی بیان می کند. [توجه شود که ایشان برای نظریه خود دلیلی اقامه نمی کند و همین جواب حلی به مرحوم نائینی، دلیل ایشان است]  
نقض اول : اگر بینه ای گفت بر روی این لباس بول واقع شده است، مدلول التزامی این مطلب، نجس شدن لباس است و بعد آثار شرعی دیگر مانند عدم جواز نماز خواندن با آن لباس و... بر آن مترتب می گردد. حال اگر متوجه شدیم که بینه دروغ گفته است [یا اشتباه کرده است] و از یک جهت احتمال می دهیم نجاست دیگری مانند خون با لباس ملاقات کرده است در اینجا می توان گفت : با علم به کذب بینه، مدلول مطابقی آن یعنی اصابت بول به لباس ساقط می شود ولی یقین به طهارت آن نداریم؛ آیا در اینجا می توان گفت مدلول التزامی یعنی نجاست لباس باقی است [نه نجاست لباس به بول یا به خون] آیا احدی از فقها این مطلب را می پذیرد؟

نقض دوم : اگر خانه ای در اختیار زید باشد و عمرو و بکر هر دو ادعا کنند که خانه برای خودشان است و هر دو نیز بینه اقامه کنند در اینجا بینه بکر و عمرو به خاطر تعارض ساقط می شوند اما مدلول التزامی آن ها [اینکه خانه برای زید نیست و مجهول

المالک است و ید هم اعتباری ندارد چون بینه بر خلاف آن است] چطور؟ آیا کسی به این مطلب ملتزم می شود؟  
نقض سوم : اگر خانه در اختیار زید باشد و یک شاهد بگوید برای عمرو است و شاهد دیگر بگوید برای بکر است؛ خب در اینجا با قول یک شاهد چیزی ثابت نمی شود اما طبق نظر مرحوم نائینی، مدلول التزامی آن ها باید ثابت شود و خانه برای زید نباشد؛ اینجا هم حتماً آقای خوئی می گوید هیچ فقیهی به این مطلب ملتزم نمی شود.

نقض چهارم : اگر خانه در اختیار زید باشد و بینه بگوید خانه برای عمرو است اما خود عمرو بگوید خانه برای من نیست در اینجا تعارض بین بینه و اقرار پیش می آید و آقایان اقرار را مقدم بر بینه می شمارند[حتی اقرار بر ید هم مقدم است و اگر خانه در دست عمرو باشد ولی او بگوید خانه من نیست دیگر ید او اعتباری ندارد] حال سوال این است که آیا می توان گفت فقط مدلول مطابقی بینه به خاطر تعارض با اقرار ساقط می شود اما مدلول التزامی آن باقی می ماند و خانه برای زید نیست؛ آقای خوئی می گوید هیچ فقیه و متفقهی[فقیه نما] به این مطلب قائل نمی شود.

ظاهراً دست آقای خوئی هم برای ادعای بلا خلاف و بلا اشکال بودن باز است و هم برای اینکه بگوید کسی به آن ملتزم نمی شود. اولاً فقیه نما هیچ حدی ندارد و ممکن است حتی بگوید فرزند خوانده نیز ارث می برد؛ ثانیاً آیا این نقوض در کتب فقها آمده است؛ ظاهراً ایشان این نقوض را از مذاق فقها استفاده می کنند. اما پاسخ حلی ایشان در جلسه آینده.